

## اثربخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر ارتقاء سطح دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران

بابک حسین‌زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی میزان اثربخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی دوره‌های کارشناسی رشته‌های مختلف دبیری بر ارتقاء سطح دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران می‌باشد. روش مطالعه و تحقیق در این پژوهش توصیفی از نوع مقطعی است. جامعه آماری شامل دانشجویان دوره کارشناسی رشته‌های مختلف دبیری دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران به تعداد ۱۶۴۴ نفر بود که تا سال تحصیلی ۸۶-۸۵ مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه آن نیز به تعداد ۳۱۰ نفر تعیین گردید که به روش تصادفی طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بسته پاسخ محقق ساخته است که بر اساس فرضیه‌های تحقیق و به شیوه مقیاس لیکرت انجام می‌شود. این پرسشنامه پس از تعیین روایی و اعتبار میان نمونه آماری توزیع شده است. در پایان به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های آماری توصیفی از قبیل توزیع فراوانی، درصد فراوانی و جداول آماری مربوط به آن استفاده گردید. در بخش آمار استنباطی نیز از آزمون کروسکال-والیس کمک گرفته شد. و برای بررسی میزان تأثیر برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر حسب جنسیت از آزمون لمان-ویتنی استفاده شده است.

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان بر حسب رشته‌های مختلف تحصیلی و جنسیت دستخوش تغییر شده است. این تغییر در رشته آموزش ابتدایی بیشتر از سایر رشته‌ها و در مردان بهتر از زنان بوده است. اما

<sup>۱</sup>. دکتری برنامه‌ریزی درسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بابل

اثر بخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر ارتقاء...  
یافته‌ها حاکی از آن است که در متغیر سال‌های مختلف تحصیلی تنها دانش دانشجویان  
تغییر یافته ولی نگرش و مهارت‌های آنها تغییر معناداری پیدا نکرده است.

## کلید واژه‌ها

برنامه درسی، دروس تربیتی، اثربخشی، دانش، نگرش، مهارت.

## مقدمه

رشد و توسعه هر جامعه در کلیه ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و  
اجتماعی متأثر از نیروی انسانی آن است. در این میان آموزش از عوامل اساسی  
در تربیت نیروی انسانی به شمار می‌رود که منجر به تغییر رفتار و ایجاد  
مجموعه‌ای از دانش، تفکر، نگرش، ارزش‌ها و مهارت‌ها می‌شود. (میرزاییگی،  
۱۳۸۰، ص ۱۵).

همه تغییرات ایجاد شده در رفتار یادگیرنده در قالب یک برنامه درسی جامع و  
مانع اتفاق می‌افتد که شامل محتوای رسمی و غیررسمی، فرایند محتوا، آموزش‌های  
آشکار و پنهان می‌باشد که به وسیله آنها فراگیر تحت هدایت مدرسه دانش لازم را به  
دست می‌آورد، مهارت‌ها را کسب می‌کند و گرایش‌ها، قدرشناسی‌ها و ارزش‌ها را در  
خود تغییر می‌دهد. (ملکی، ۱۳۷۹، ص ۱۷).

طبق طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی که توسط بنیامین بلوم و همکاران او  
انجام شده است. «شناخت» یکی از ارکان یادگیری است، ولی شناخت برای  
یادگیری مؤثر کافی نیست. علاقه و گرایش فرد به موضوع یادگیری نیز رکن  
یادگیری است. تا فرد از درون نسبت به چیزی انگیزه نداشته باشد برای یادگیری  
آن چیز به تلاش و تکاپو نمی‌افتد و رفتار او تغییر نمی‌کند، همچنین «عمل کردن» و  
تجربه عملی شرط دیگر یادگیری است. لذا می‌توان گفت یادگیری دارای سه رکن؛  
شناخت، گرایش و عمل است.

هدف نیز به تبع یادگیری دارای ارکان سه‌گانه است. برای تحقق یادگیری مؤثر که موجب تغییر در رفتار یادگیرنده شود، هدف نیز باید دارای ابعاد شناختی، عاطفی و روانی- حرکتی باشد به همین دلیل تفکیک هدف به سه حیطه، دقت و توجه برنامه‌ریزان و معلمان را در برنامه‌ریزی درسی و طراحی آموزشی می‌افزاید و کار مطلوبی است. (همان منبع، ص ۱۷).

اما از طرفی منتقدان طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی بلوم چنین بیان داشتند که تفکیک جنبه‌های شناختی از جنبه‌های عاطفی و روانی- حرکتی صحیح نیست. چرا که جنبه‌های مختلف شخصیت آدمی از یکدیگر جدا نیستند و پاره‌ای از هدف‌ها، چه در زمینه شناختی و چه در جنبه روانی- حرکتی پایه ادراکی دارند و به دشوار می‌توان هدف‌هایی را که در این سه حوزه قرار دارند صرفاً عقلانی، عاطفی یا روانی- حرکتی تلقی کرد. همچنین مراحل مذکور در طبقه‌بندی بلوم ترتیب منطقی یا روان‌شناختی ندارد و سرانجام این که در با ارزش تلقی کردن امور و همچنین در مهارت‌های روانی- حرکتی، عنصر عقلانی نقشی اساسی ایفا می‌کند. (شریعتمداری، ۱۳۷۶، صص ۲۸ و ۲۹).

بر این اساس هدف اصلی برنامه‌ریزان درسی از تدوین برنامه‌های درسی دروس مختلف تربیتی ایجاد تغییر در ابعاد مختلف شخصیت دانشجویان است که این تغییر باید در حوزه‌های دانش، توانش و نگرش انجام پذیرد.

یادگیری کامل منوط به توسعه آموخته‌ها در سه حیطه شناختی، عاطفی و حرکتی است. دستیابی به سلسله مهارت‌های حرکتی وقتی ممکن می‌شود که میان آموخته‌های شناختی و عاطفی تعامل حاصل شود و این تعامل زمانی حاصل می‌شود که شرایط بروز رفتارهای مهارتی و حرکتی فراهم باشد. (مشفق‌آرائی، ۱۳۸۲، ص ۹).

یکی از تعریف‌های اساسی تربیت «راهنمایی جنبه‌های مختلف رشد آدمی است» چنانچه از این تعریف استنباط می‌شود ابتدا رشد شخصیت فرد و جنبه‌های مختلف آن

اثر بخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر ارتقاء...  
=====

مورد توجه می‌باشد. معمولاً چهار جنبه عمده شخصیت آدمی را که عبارتند از جنبه بدنی، عاطفی، اجتماعی و عقلانی مطرح می‌سازند و برای هر یک جهت یا مسیری تعیین می‌کنند. باید توجه داشت که در وجود شخصیت آدمی این جنبه‌ها با هم مربوط و در یکدیگر تأثیر می‌کنند. آن چه فرد انجام می‌دهد ضمن این که تحت تأثیر ساختمان عصبی و اعضا و اندام او قرار دارد، زیر نفوذ جنبه‌های عقلانی، عاطفی و اجتماعی وی نیز می‌باشد. توجه به یک جنبه از رشد سبب عدم هماهنگی شخصیت و انحراف رشد از مسیر طبیعی است (شریعتمداری، ۱۳۸۳، صص ۱۲۶ و ۱۲۷).

امروزه موضوع «انتقال دانش» به معنی درس دادن مطالب کتابی و اطلاعات و حقایق خشک آن هم بصورت حفظ کردن طوطی‌وار مطالب درسی جزء وظایف اصلی دانشگاه‌ها به حساب نمی‌آید. چنین دانشگاه‌هایی بیشتر وظیفه خود می‌دانند که در برنامه‌های آموزشی و درسی به نیازها، خصایص، توانایی‌ها و علاقه‌های دانشجویان توجه کنند، تسهیلات و وسائل لازم را برای آنها فراهم نموده و از راه فعالیت‌های ثمربخشی که در برنامه‌های آموزشی و درسی خود گنجانده‌اند راه را برای ادراک عمیق و اصیل دانش، فراگیری مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های مطلوب هموار نمایند. (پروند، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵).

زندگی امروز سرشار از نیازها، مسائل و مشکلات، معضلات و نابسامانی‌هاست. انسان و همراه آن جامعه‌ای موفق است که بتواند یک نظام تربیتی همه جانبه‌ای را برای فراگیران خود ترسیم نماید که در آن هر سه بُعد یادگیری که منجر به تغییر رفتار به معنای واقعی گردد و شامل دانش، نگرش و توانش می‌باشند، مورد توجه قرار گیرد تا این که یادگیرندگان هم دانش لازم چگونگی تعامل با محیط را کسب کنند و هم این که مهارت کافی و نگرش بکارگیری این مهارت‌ها در رفتارشان را داشته باشند.

دانش پایه‌ای برای فراگیری مهارت و نگرش است. مهارت و نگرش‌هایی که بر دانش مبتنی‌اند ژرف‌تر و پردوام هستند و زمانی که تغییر نگرش بر اساس

مبانی نظام‌دار است به نحو اثربخشی صورت می‌گیرد. افراد راه‌های چشم‌پوشی و تغییر رخداده‌ها را پیدا می‌کنند بنابراین باید تلاش‌های مربوط به تغییر نگرش‌ها را هدایت کرد. نخست رفتار و سپس تغییر نگرش جایز نیست. ابتدا نگرش را تغییر دهیم و به دنبال آن رفتار را. (احدیان و آقازاده، ۱۳۷۸، صص ۲۹ و ۵۳ و ۵۷).

سبحانی‌نژاد (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی دوره ابتدایی ایران و طراحی برای آینده درصدد بررسی میزان توجه به انواع مسئولیت‌های اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن در عناصر برنامه درسی کنونی دوره ابتدایی ایران بوده است و دریافت که در طراحی هر یک از عناصر برنامه درسی لازم است به انواع مسئولیت‌های اجتماعی و ابعاد سه‌گانه شناختی و عاطفی و عملکردهای آموزشی آن توجه شود. اما این توجه عمدتاً به مسئولیت‌های دینی، اجتماعی، مدنی و بُعد شناختی بوده است. همچنین در محتوی دروس دوره ابتدایی بیشترین توجه به مسئولیت‌های مدنی بوده در عین حال به دو بُعد شناختی و عاطفی مسئولیت‌های اجتماعی بطور ناقص و به بعد عملکرد آن نیز هیچ‌گونه توجهی نشده است.

ملک‌آباد (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر دوره‌های کوتاه‌مدت بر دانش، نگرش و توانش معلمان و کارکنان در شهرستان میاندوآب به نتایجی دست یافت که نشان می‌دهد آموزش‌های ضمن خدمت رابطه معنی‌دار و تأثیر چشمگیری در بهبود عملکرد، افزایش کارایی، میزان رضایت شغلی، برقراری ارتباط بهتر، ایجاد خلاقیت و نوآوری کارکنان داشته است.

کاظمی (۱۳۷۹) در پژوهشی با موضوع مقایسه تأثیر روش‌های تدریس سخنرانی، بحث گروهی و ایفای نقش بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به معلم خود و هدف‌های ارزشی درس دینی سال اول راهنمایی به این نتایج دست یافت که روش تدریس بحث گروهی رابطه معنی‌دار و تأثیر چشمگیری نسبت به دو روش سخنرانی و ایفای نقش در تغییر نگرش دانش‌آموزان داشته است.

اثر بخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر ارتقاء...

ملکی (۱۳۶۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی مقایسه‌ای برنامه تعلیمات اجتماعی مقطع ابتدایی در کشورهای ایران، آمریکا و استرالیا به این نتیجه دست یافت که در برنامه تعلیمات اجتماعی ایران برای دانش‌آموزان هیچ گونه فعالیت عملی پیش‌بینی نشده است. لذا در کشورهای آمریکا و استرالیا امکان فعالیت عملی در برنامه‌ها در حد خیلی خوب و در برنامه درسی ایران خیلی ضعیف ارزش‌یابی شده است.

دایی‌زاده (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان میزان آشنایی معلمان دوره متوسطه استان مازندران از میانی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری به این نتایج دست یافت مبنی بر اینکه میزان شناخت معلمان دوره متوسطه از مبانی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری در حد پایین‌تر از متوسط است و با توجه به متغیرهای جنسیت، رشته تحصیلی و مدرک تحصیلی تفاوت معنی‌دار بین آنها وجود دارد.

ایزدی (۱۳۷۱) در پژوهشی با عنوان بررسی کارایی و اثربخشی برنامه درسی آموزش‌های ضمن خدمت معلمان مقطع کاردانی رشته آموزش ابتدایی استان مازندران خاطرنشان ساخته است که این برنامه‌های درسی الزام بیشتری را نسبت به رعایت نظم و انضباط، میزان همکاری و ارتباط بین معلمان با یکدیگر و با دانش‌آموزان و اولیاء در فراگیران به وجود آورده و منجر به افزایش درصد قبولی دانش‌آموزان و نمره ارزیابی آنان شده است.

حسین‌زاده (۱۳۷۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی میزان ارتباط بین برنامه درسی آموزش ضمن خدمت فرهنگیان رشته آموزش ابتدایی با نیازمندی‌های شغلی آنان دریافت که برنامه‌های درسی این دوره‌ها رابطه معنی‌دار و تأثیر چشمگیری را نسبت به بهبود عملکرد، نگرش مثبت نسبت به شغل و استفاده بهینه و مطلوب از امکانات و تجهیزات آموزشی و روش‌های آموزشی جدیدتر در فراگیران داشته است.

اکرسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) به نتایج مشابهی در این زمینه دست یافت و معتقد است که پرورش عاطفی رابطه تنگاتنگی با تجارب دانش‌آموزان در مدرسه دارد و این بُعد از پرورش، عموماً در برنامه‌های رشد فردی و اجتماعی مطرح می‌شود. به باور وی پرورش عاطفی، به پرورشی اطلاق می‌شود که موجب رشد فردی-اجتماعی، احساسات، هیجانات، اخلاقیات و اصول اخلاقی می‌گردد. وی معتقد است که این نوع پرورش در برنامه‌های درسی اغلب «به کنار رانده شده» و نادیده گرفته می‌شود.

پاپاناستاسیو<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) در پژوهشی تأثیر چهار عامل خانواده، تقویت کننده‌ها، تدریس و جو مدرسه بر روی نگرش‌های دانش‌آموزان نسبت به علم را مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد که در میان این چهار عامل، تدریس، بیش‌ترین تأثیر (۴۷٪) را بر نگرش دانش‌آموزان داشته است که اگر برنامه‌های درسی به شکل صحیح و علمی تدوین و اجرا شود بر روی نگرش دانش‌آموزان تأثیر قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت.

هارواردواینر<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) در تحقیقی با عنوان بهبود بخشی عملکرد دانش‌آموزان در مطالعات اجتماعی با استفاده از تکنولوژی آموزشی چند رسانه‌ای به یافته‌هایی دست یافت مبنی بر این که فعالیت‌های گوناگون فراگیران به منظور استفاده از تکنولوژی چندرسانه‌ای که با مقایسه نمرات پیش آزمون و پس آزمون صورت گرفت نشان داد که همه آنها به تمام هدف‌های برنامه درسی با موفقیت دست یافتند.

هالنیک و تیندال<sup>۴</sup> (۱۹۹۶) در پژوهشی با مطالعه تدریس مفاهیم مربوط به قانون در برنامه درسی مطالعات اجتماعی در دوره راهنمایی به این نتایج دست

۱- Akerson

۲. Papanastasiou

۳. H. Weiner

۴. Hollenbeck , Tindal

اثربخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر ارتقاء...

یافتند که بعد از گذشت سه هفته از زمان پایان آموزش، تفاوت معنی‌داری از نظر مهارت‌های دانش‌بیانی در دانش‌آموزان وجود داشته است در صورتیکه از نظر دانش روش کار تفاوتی بین آنها مشاهده نگردید.

بنابراین شواهد تجربی و پژوهشی نشان می‌دهد که آموزش نگرش‌ها پیچیده‌ترین و مشکل‌ترین حوزه آموزش است و تحقق اهداف این حیطه در آموزش و پرورش ایران با مشکلات جدی مواجه است.

با توجه به مطالب بیان شده، این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی برنامه درسی دروس تربیتی بر ارتقاء سطح دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان رشته‌های مختلف دبیری دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران انجام شده است. همچنین تفاوت معناداری بین میزان تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی بر ارتقاء سطح دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان سالهای اول تا چهارم نیز مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور دستیابی به اهداف یاد شده، طی اجرای پژوهش به سؤال‌های زیر پاسخ داده شد.

- ۱- آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی از بُعد دانش و رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
- ۲- آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی از بُعد نگرش و رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
- ۳- آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی از بُعد مهارت و رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌دار وجود دارد؟
- ۴- آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی از بُعد دانش و سال‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
- ۵- آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی از بُعد نگرش و سال‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟



## پژوهشنامه تربیتی

- ۶- آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی از بُعد مهارت و سال‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
- ۷- آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی از بُعد دانش و جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
- ۸- آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی از بُعد نگرش و جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
- ۹- آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی از بُعد مهارت و جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

## روش

روش مطالعه پژوهش با توجه به این که هدف محقق بررسی چگونگی مراحل و نمونه‌های رشد یا تغییرات آنها در نتیجه گذشت زمان است، توصیفی از نوع مقطعی می‌باشد که نظرات توصیفی تعدادی از دانشجویان رشته‌های مختلف دبیری علوم تجربی (۱۸/۴ درصد)، ریاضی (۳/۵ درصد)، الهیات (۱۰/۷ درصد)، علوم اجتماعی (۱۹/۷ درصد)، آموزش ابتدایی (۲۳/۵ درصد)، ادبیات فارسی (۱۷/۱ درصد) و زبان انگلیسی (۷/۱ درصد) سالهای مختلف تحصیلی را در مورد دانش، نگرش و مهارت‌های آنان بررسی می‌کند.

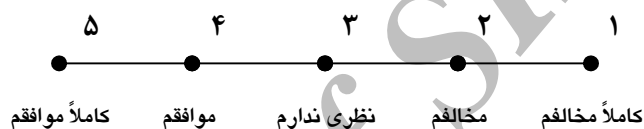
جامعه آماری تحقیق شامل دانشجویان دوره کارشناسی رشته‌های مختلف دبیری دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران به تعداد ۱۶۴۴ نفر هستند که تا سال تحصیلی ۸۵-۸۶ مشغول به تحصیل بودند.

حجم نمونه با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه  $n = \frac{N t^2 s^2}{N \cdot d^2 t^2 s^2}$  (نادری

و سیف نراقی، ۱۳۸۰ و دلاور، ۱۳۸۴) ۳۱۰ نفر تعیین گردید و با توجه به این که

اثر بخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر ارتقاء...

جامعه مادر به گروه‌های کوچکتر و متجانس (دانشجویان رشته‌های مختلف دبیری) تقسیم می‌شوند، به روش تصادفی طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند. در این مطالعه ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بسته پاسخ محقق ساخته است که بر اساس فرضیه‌های تحقیق و به شیوه مقیاس لیکرت انجام می‌شود. برای سنجش میزان متغیرها یک گویه پنج قسمتی به اشخاص داده شده و از آنها خواسته شد که میزان انجام آن عمل را بر اساس این گویه بیان کنند:



سپس میانگین نمره فرد در هر سوال و مجموع سوالات مشخص گردید و بر اساس معیار فوق، در اندازه‌گیری متغیرها از مقیاس ترتیبی استفاده شد. بمنظور بدست آوردن اعتبار ابزار از آزمون آماری ضریب آلفای کراباخ استفاده شده که مقدار آن در حوزه مهارتی  $0/79$ ، حوزه شناختی  $0/73$ ، حوزه نگرشی  $0/70$ ، و در مجموع میانگین سه حوزه  $0/74$  تعیین شده که اعتبار آن مورد تأیید قرار گرفت. به منظور آزمون فرضیه‌ها از روش‌های آمار توصیفی از قبیل توزیع فراوانی، درصد فراوانی و جداول آماری مربوط به آن کمک گرفته شد.

در بخش آمار استنباطی نیز بمنظور بررسی تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان بر حسب رشته‌ها و سال‌های مختلف تحصیلی با توجه به این که مقایسه بیش از دو گروه مستقل از لحاظ یک متغیر رتبه‌ای مورد توجه می‌باشد و گروه‌ها از نظر متغیر مورد نظر تفاوتی ندارند آزمون کروسکال-والیس اجرا شده است. برای بررسی تأثیر این برنامه‌ها بر حسب جنسیت با ملاحظه به این که آزمودنی‌های دو گروه مستقل را می‌توان بر

## پژوهشنامه تربیتی

حسب متغیر مورد مطالعه رتبه‌بندی کرد به منظور اجرای آزمون فرضیه عدم تفاوت بین گروه‌ها از لحاظ متغیر مذکور از آزمون Uمان- ویتنی (هومن، ۱۳۷۳) استفاده شده است.

## یافته‌ها

یافته‌های به دست آمده از این پژوهش در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی مربوط به سوالات تحقیق ارائه می‌گردند.

جدول ۱- توزیع فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌های دانشجویان در ارتباط با تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد دانش

مقیاس	کاملاً		نظری		مقیاس	
	مخالفم	کاملاً مخالفم	ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	شاخص
فراوانی	۶	۳۱۰	۲۳	۱۳۶	۱۳۵	
درصد فراوانی	۱/۹۶	۱۰۰	۷/۴۱	۴۳/۸۷	۴۳/۵۴	

با توجه به داده‌های جدول ۱ بیشترین فراوانی پاسخ‌های دانشجویان در سطح موافق (۴۳/۸۷ درصد) و کاملاً موافق (۴۳/۵۴ درصد) قرار دارد. در مجموع (۸۷/۴۱ درصد) از دانشجویان رشته‌های مختلف دبیری بیان داشتند که برنامه درسی دروس تربیتی بر افزایش دانش و شناخت آنها تأثیرگذار بوده است.

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌های دانشجویان در ارتباط با تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد نگرش

مقیاس	کاملاً		نظری		مقیاس	
	مخالفم	کاملاً مخالفم	ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	شاخص
فراوانی	۱	۳۱۰	۴۴	۱۷۹	۸۳	
درصد فراوانی	۰/۳۲	۱۰۰	۱۴/۱۹	۵۷/۷۴	۲۶/۷۷	

اثر بخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر ارتقاء...

با توجه به داده‌های جدول ۲ بیشترین فراوانی پاسخهای دانشجویان در سطح موافق (۵۷/۷۴ درصد) و کاملاً موافق (۲۶/۷۷ درصد) قرار دارد. در مجموع (۸۴/۵۱ درصد) از دانشجویان رشته‌های مختلف دبیری به تأثیرگذاری برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد نگرش از عان داشتند.

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصد فراوانی پاسخهای دانشجویمان در ارتباط با

تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد مهارت

مقیاس	کاملاً موافق		مخالفم		جمع
	کاملاً موافق	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	
شاخص فراوانی	۱۰۹	۱۷۴	۱۷	۹	۳۱۰
درصد فراوانی	۳۵/۱۶	۵۶/۱۳	۵/۴۸	۲/۹۱	۱۰۰

بر اساس داده‌های جدول ۳ بیشترین فراوانی پاسخهای دانشجویان در سطح موافق (۵۶/۱۳ درصد) و کاملاً موافق (۳۵/۱۶ درصد) قرار دارد. در مجموع (۹۱/۲۹ درصد) از دانشجویان رشته‌های مختلف دبیری به تأثیرگذاری برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد مهارت اعتقاد داشتند.

سؤال ۱: آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد دانش و رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی داری وجود دارد؟

جدول ۴. نتایج آزمون کروسکال-والیس بررسی تفاوت معناداری میزان

تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد دانش

شاخص آماری	میانگین دانش
Chi - square	۲۵/۲۹
df	۶
sig	۰/۰۰۱

## پژوهشنامه تربیتی

داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که  $\text{sig} = 0/001 < 0/05$  است، لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی و ارتقاء سطح دانش دانشجویان رشته‌های مختلف دبیری تفاوت معنی‌داری وجود دارد و با یکدیگر همسان نیست.

جدول ۵. نتایج آزمون کروسکال-والیس بررسی مقایسه میانگین میزان تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد دانش (بر حسب رشته تحصیلی)

میانگین	شاخص آماری رشته تحصیلی
۱۴۱/۵۳	علوم تجربی
۱۳۳/۴۰	ریاضی
۱۶۳/۸۷	الهیات
۱۳۹/۵۶	علوم اجتماعی
۱۶۹/۹۴	آموزش ابتدایی
۱۲۱/۸۳	ادبیات
۹۴/۱۴	زبان

با توجه به داده‌های جدول ۵ میزان تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در ارتقاء سطح دانش دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی متفاوت بوده و به ترتیب کمترین و بیشترین میزان تأثیر را بر دانشجویان رشته‌های دبیری زبان انگلیسی (۹۴/۱۴ درصد) و آموزش ابتدایی (۱۶۹/۹۴ درصد) داشته است. از این رو نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری است.

اثر بخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر ارتقاء...

سؤال ۲: آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد نگرش و رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول ۴. نتایج آزمون کروسکال-والیس بررسی تفاوت معنی‌داری

میزان تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد نگرش

شاخص آماری	میانگین نگرش
Chi - square	۲۱/۷۴
df	۶
sig	۰/۰۴

داده‌های جدول ۶ نشان می‌دهد که  $\text{sig} = 0.04 < 0.05$  است، لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان بیان کرد که بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی و ارتقاء سطح نگرش دانشجویان رشته‌های مختلف دبیری تفاوت معنی‌داری وجود دارد و با یکدیگر همسان نیست.

جدول ۷. نتایج آزمون کروسکال-والیس بررسی مقایسه میانگین میزان تأثیر

برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد نگرش (بر حسب رشته تحصیلی)

میانگین	شاخص آماری / رشته تحصیلی
۱۴۰/۷۲	علوم تجربی
۱۰۷/۵۹	ریاضی
۱۶۵/۰۲	الهیات
۱۵۰/۱۱	علوم اجتماعی
۱۷۶/۵۸	آموزش ابتدایی
۱۵۲/۸۹	ادبیات
۱۰۰/۵۲	زبان

## پژوهشنامه تربیتی

با توجه به داده‌های جدول ۷ میزان تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در ارتقاء سطح نگرش دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی متفاوت بوده و به ترتیب کمترین و بیشترین میزان تأثیر را بر دانشجویان رشته‌های دبیری زبان انگلیسی (۱۰۰/۵۲ درصد) و آموزش ابتدایی (۱۷۶/۵۸ درصد) داشته است. نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری است.

سوال ۳: آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد مهارت و رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول ۸. نتایج آزمون کروسکال-والیس بررسی تفاوت معناداری

میزان تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد مهارت

شاخص آماری	میانگین مهارت
Chi - square	۲۸/۳۶
df	۶
sig	۰/۰۰۰

داده‌های جدول ۸ نشان می‌دهد که  $sig = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$  می‌باشد لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی و ارتقاء سطح مهارت دانشجویان رشته‌های مختلف دبیری تفاوت معنی‌داری وجود دارد و با یکدیگر همسان نیست.

جدول ۹. نتایج آزمون کروسکال-والیس بررسی مقایسه میانگین میزان تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد مهارت (بر مسب رشته تمصیلی)

میانگین	شاخص آماری رشته تحصیلی
۱۴۰/۹۰	علوم تجربی
۸۸/۳۲	ریاضی
۱۷۰/۲۶	الهیات
۱۲۳/۵۸	علوم اجتماعی
۱۷۶/۴۵	آموزش ابتدایی
۱۴۵/۴۲	ادبیات
۱۲۶/۸۰	زبان

با توجه به داده‌های جدول ۹ میزان تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در ارتقاء سطح مهارت دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی متفاوت بوده و به ترتیب کمترین و بیشترین میزان تأثیر را بر دانشجویان رشته‌های دبیری ریاضی (۸۸/۳۲ درصد) و آموزش ابتدایی (۱۷۶/۴۵ درصد) داشته است. و نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری است.

سؤال ۴: آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد دانش و سالهای مختلف تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۱۰. نتایج آزمون کروسکال-والیس بررسی تفاوت معنی‌داری میزان تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد دانش (بر مسب سالهای مختلف تمصیلی)

شاخص آماری	میانگین دانش
Chi - square	۱۳/۲۴
df	۶
sig	۰/۰۰۴



داده‌های جدول ۱۰ نشان می‌دهد که  $\text{sig} = 0/004 < 0/05$  است لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی و ارتقاء سطح دانش دانشجویان دبیری سال‌های مختلف تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد و با یکدیگر همسان نیست.

جدول ۱۱. نتایج آزمون کروسکال- وایس بررسی مقایسه میانگین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد دانش (بر مسب سالهای مختلف تحصیلی)

میانگین دانش	شاخص آماری سالهای تحصیلی
۱۲۰/۵۹	اول
۱۳۲/۰۷	دوم
۱۵۳/۱۶	سوم
۱۶۰/۳۶	چهارم

بر اساس داده‌های جدول ۱۱ میزان تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در ارتقاء سطح دانش دانشجویان رشته‌های دبیری سال‌های مختلف تحصیلی متفاوت بوده و بیشترین میزان تأثیر را بر دانشجویان سال چهارم (۱۶۰/۳۶ درصد) و کمترین میزان تأثیر را بر دانشجویان سال اول (۱۲۰/۵۹ درصد) تحصیلی داشته است. از این رو نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری است.

سؤال ۵: آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد نگرش و سال‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

اثربخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر ارتقاء...

جدول ۱۲. نتایج آزمون کروسکال-والیس بررسی تفاوت معنی‌داری میزان تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد نگرش (بر مسب سال‌های مختلف تحصیلی)

شاخص آماری	میانگین نگرش
Chi - square	۲/۹۴
df	۶
sig	۰/۴۰۰

بر اساس داده‌های جدول ۱۲ چون  $\text{Sig}=0/400 > 0/05$  است لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی و ارتقاء سطح نگرش دانشجویان دبیری سال‌های مختلف تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد و تقریباً با یکدیگر یکسان بوده است.

جدول ۱۳. نتایج آزمون کروسکال-والیس بررسی مقایسه میانگین میزان تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد نگرش (بر مسب سال‌های مختلف تحصیلی)

میانگین نگرش	شاخص آماری
	سال‌های تحصیلی
۱۳۹/۷۵	اول
۱۵۰/۵۷	دوم
۱۴۵/۱۱	سوم
۱۷۱/۴۲	چهارم

بر اساس داده‌های جدول ۱۳ در میزان اثربخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر نگرش دانشجویان دبیری سال‌های مختلف تحصیلی تفاوت اندکی مشاهده شده است و در سال چهارم تحصیلی (۱۷۱/۴۲ درصد) نسبت به سال‌های قبل کمی بیشتر بوده است، بنابراین نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری است. سؤال ۶: آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد مهارت و سال‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول ۱۴. نتایج آزمون کروسکال-والیس بررسی تفاوت معنی‌داری میزان تأثیر

برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد مهارت (بر مسب سالهای مختلف تحصیلی)

شاخص آماری	میانگین مهارت
Chi - square	۲/۷۰
df	۶
sig	۰/۴۳۹

بر اساس داده‌های جدول ۱۴ چون  $\text{Sig} = 0/439 > 0/05$  است لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی و ارتقاء سطح مهارت دانشجویان دبیری سالهای مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و تقریباً با یکدیگر یکسان بوده است.

جدول ۱۵. نتایج آزمون کروسکال-والیس بررسی مقایسه میانگین میزان تأثیر

برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد مهارت (بر مسب سالهای مختلف تحصیلی)

میانگین مهارت	شاخص آماری
	سالهای تحصیلی
۱۳۱/۳۰	اول
۱۴۹/۶۹	دوم
۱۴۴/۷۹	سوم
۱۵۰/۶۷	چهارم

بر اساس داده‌های جدول ۱۵ در میزان اثربخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر مهارت دانشجویان دبیری سالهای مختلف تحصیلی تفاوت اندکی مشاهده شده است و در سال چهارم تحصیلی (۱۵۰/۶۷ درصد) نسبت به سالهای قبل کمی بیشتر بوده است. بنابراین نتیجه قابل‌تعمیم به جامعه آماری است.

سوال ۷: آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد دانش و جنسیت

تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول ۱۶. نتایج آزمون Uمان- ویتنی بررسی تفاوت معنی‌داری میزان

تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد دانش (بر مسب جنسیت)

شاخص آماری	میانگین دانش
Chi - square	۲۶۲۲/۰۰
df	۶
sig	۰/۰۰۰

داده‌های جدول ۱۶ نشان می‌دهد که  $0/05 < sig = 0/000$  است لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی و ارتقاء سطح دانش دانشجویان بر حسب جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بدین معنا که میزان دانش کسب شده در بین مردان و زنان یکسان نیست.

جدول ۱۷. نتایج آزمون Uمان- ویتنی بررسی مقایسه میانگین میزان

تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد دانش (بر مسب جنسیت)

میانگین دانش	شاخص آماری
	جنسیت
۲۱۵/۵۹	مرد
۱۳۱/۸۸	زن

با توجه به داده‌های جدول ۱۷ برنامه درسی دروس تربیتی بر افزایش دانش مردان (۲۱۵/۵۹ درصد) بیش از زنان (۱۳۱/۸۸ درصد) مؤثر بوده است. سؤال ۸: آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد نگرش و جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول ۱۸. نتایج آزمون U مان- ویتنی بررسی تفاوت معنی‌داری میزان

تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد نگرش (بر مسب جنسیت)

شاخص آماری	میانگین نگرش
Chi - square	۳۳۲۰/۵۰
df	۶
sig	۰/۰۰۰

داده‌های جدول ۱۸ نشان می‌دهد که  $sig = 0/000 < 0/05$  است لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی و ارتقاء سطح نگرش دانشجویان بر حسب جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بدین معنا که میزان تغییر نگرش در بین مردان و زنان یکسان نیست.

جدول ۱۹. نتایج آزمون U مان- ویتنی مقایسه میانگین میزان تأثیر

برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد نگرش (بر مسب جنسیت)

میانگین نگرش	شاخص آماری جنسیت
۲۱۵/۰۱	مرد
۱۳۸/۳۴	زن

بر اساس داده‌های جدول ۱۹ برنامه درسی دروس تربیتی بر تغییر نگرش دانشجویان پسر (۲۱۵/۰۱ درصد) بیشتر از دانشجویان دختر (۱۳۸/۳۴ درصد) موثر بوده است.

سؤال ۹: آیا بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد مهارت و جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

جدول ۲۰. نتایج آزمون  $\chi^2$  مان-ویتنی بررسی تفاوت معناداری میزان

تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد مهارت (بر حسب جنسیت)

شاخص آماری	میانگین مهارت
Chi - square	۳۶۳۶/۵۰
df	۶
sig	۰/۰۰۰

داده‌های جدول ۲۰ نشان می‌دهد که  $0/05 < sig = 0/000$  است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی و ارتقاء سطح مهارت دانشجویان بر حسب جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بدین معنا که میزان کسب مهارت‌ها در بین مردان و زنان یکسان نیست.

جدول ۲۱. نتایج آزمون  $\chi^2$  مان-ویتنی بررسی مقایسه میانگین میزان

تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد مهارت (بر حسب جنسیت)

میانگین مهارت	شاخص آماری
	جنسیت
۱۹۵/۷۰	مرد
۱۳۶/۰۹	زن

با توجه به داده‌های جدول ۲۱ برنامه درسی دروس تربیتی بر افزایش مهارت‌های کسب شده دانشجویان پسر (۱۹۵/۷۰ درصد) بیش از دانشجویان دختر (۱۳۶/۰۹ درصد) مؤثر بوده است.

## بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی برنامه درسی دروس تربیتی بر ارتقاء سطح دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان، بر حسب رشته‌های مختلف تحصیلی، جنسیت و سال‌های مختلف تحصیلی است. یافته‌های حاصل از این پژوهش عبارتند از:

الف: بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان دبیری بر حسب رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

ب: بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان دبیری بر حسب جنسیت مختلف تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

ج: بین تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی در بُعد دانش دانشجویان دبیری بر حسب سال‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌دار است ولی در بُعد نگرش و مهارت‌ها تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

تحلیل‌های آماری انجام شده از طریق آزمون کروسکال والیس نشان داد که دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان بر حسب رشته‌های مختلف تحصیلی دستخوش تغییرات شده است که این تغییرات در بُعد دانش و نگرش دانشجویان رشته دبیری آموزش ابتدایی بیشتر ولی در رشته دبیری زبان انگلیسی کمتر بوده است. از طرفی یافته‌ها حاکی از آن است که تغییرات ایجاد شده در مهارت‌های دانشجویان رشته آموزش ابتدایی بیشتر ولی در رشته دبیری ریاضی کمتر بوده است. همچنین این تغییرات در دانشجویان سال‌های مختلف تحصیلی در دو بُعد نگرش و مهارت‌ها معنادار نبود ولی تنها در بُعد دانش معنادار بوده است و نشان داد که واحدهای درسی تربیتی بر افزایش شناخت دانشجویان رشته‌های دبیری سال چهارم نسبت به سال اول مؤثرتر بوده است.

اثر بخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر ارتقاء...

اما تحلیل‌های آماری انجام شده از طریق آزمون لآمان- ویتنی در مورد تفاوت معنی‌داری میزان تأثیر برنامه درسی دروس تربیتی بر حسب جنسیت نشان داد که دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان مرد نسبت به دانشجویان زن دستخوش تغییر و تحول بیشتری شده است.

در رابطه با سؤالات اول، دوم، سوم و چهارم پژوهش می‌توان گفت که نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق ملک‌آباد (۱۳۸۲)، کاظمی (۱۳۷۹)، ایزدی (۱۳۷۱)، دایی‌زاده (۱۳۸۵)، حسین‌زاده (۱۳۷۸)، رجایی (۱۳۸۱)، پایاناستایو (۲۰۰۲) و هاروارد واینر (۱۹۹۴) که نشان داده بودند برنامه آموزشی دوره‌های مختلف بر تغییر دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان و دانش‌آموزان تأثیرگذار بوده همسو است. لذا با توجه به نتایج به دست آمده در مورد سؤالات فوق می‌توان بیان کرد که تغییرات زیادتری که در دانشجویان آموزش ابتدایی نسبت به رشته‌های دیگر در بُعد دانش، نگرش و مهارت‌ها ایجاد شد ناشی از حجم وسیع و گستردگی واحدهای درسی دروس تربیتی است که برای آموزش دانشجویان در این رشته توسط متخصصان تعلیم و تربیت در نظر گرفته شده و با تخصص و مهارت‌های آنان که باید در این رشته کسب نمایند هماهنگ می‌باشد.

همچنین افزایش شناخت دانشجویان سال چهارم تحصیلی نسبت به سال اول را می‌توان ناشی از این که دانشجویان اکثر واحدهای درسی تربیتی را تا این مدت گذرانده بودند دانست.

در مورد سؤالهای پنجم و ششم پژوهش می‌توان گفت که نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق ملکی (۱۳۶۸)، اکرسون (۱۹۹۲)، سبحانی‌نژاد (۱۳۷۹)، هالنبک و تیندال که نشان داده بودند برنامه‌های درسی در بخش پرورش عواطف، نگرش‌ها و مهارت‌ها خوب ظاهر نشدند و تأثیر ضعیفی را بر جای گذاشته‌اند، هماهنگ می‌باشد. لذا با توجه به نتایج بدست آمده در مورد سؤالات فوق می‌توان بیان کرد که چون اکثر فعالیت‌های تحصیلی دانشجویان و غالب هدف‌ها، محتوای درسی، و مهم‌تر از همه شیوه‌های



## پژوهشنامه تربیتی

آموزش و تدریس به کار گرفته شده توسط اساتید، مربوط به حوزه شناختی است، کاربرد حوزه مهارتی و عاطفی در سطح آموزشگاه‌ها به اندازه کاربرد هدف‌های حوزه شناختی شهرت نیافته است و کمتر به این حیطه‌ها در برنامه‌ها درس سنتی توجه شده است. در عین حال آموزش و مشاهده تغییر نگرشها در مقایسه با سایر حوزه‌های آموزشی، پیچیدگی و ظرافت خاص خودش را دارد و در فرآیند آموزش و ارزشیابی اساتید کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و روند ارزشیابی در دانشگاه نیز دانش محور می‌باشد.

در مورد سؤال‌های هفتم، هشتم و نهم پژوهش می‌توان گفت که واحدهای درسی تربیتی، دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان مرد را در مقایسه با دانشجویان زن دستخوش تغییرات بیشتری نموده است لذا با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان بیان کرد که یکی از دلایل آن می‌تواند نقص فعالیت‌های نظام آموزشی در فراهم آوردن شرایط و دادن فرصت‌های لازم برای فراگیری و کاربرد آموخته‌ها توسط خانم‌ها در محیط‌های علمی است و در دانشگاه نیز این روند کماکان مشاهده می‌شود. این نتیجه با یافته‌های پژوهش دایی‌زاده (۱۳۸۵) مبنی بر اینکه در رابطه با اصول یادگیری، معلمان زن نسبت به معلمان مرد از شناخت بیشتری برخوردارند هماهنگ و همسو نمی‌باشد.

## پیشنهادهای کاربردی

۱- با توجه به نتایج مثبت تأثیرگذاری برنامه درسی دروس تربیتی بر بُعد دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان رشته آموزش ابتدایی در مقایسه با سایر رشته‌ها ضرورت دارد که متخصصان تعلیم و تربیت به برنامه‌های درسی تربیتی رشته موردنظر در توجه به همه هدف‌ها و حیطه‌های مختلف یادگیری در ارتباط با یکدیگر توجه و دقت بیشتری داشته باشند.

۲- از آنجائیکه بخش عمده‌ای از مواد درسی تربیتی رشته‌های مختلف به حوزه نگرش و مهارت‌ها اختصاص دارد توصیه می‌شود با توجه به نتیجه ضعیفی که در

اثربخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر ارتقاء...

حوزه‌های نگرشی و مهارتی یافته‌های پژوهش حاصل شده است کمیته ویژه‌ای بمنظور بررسی رعایت تناسب هدف، محتوا، روش، ابزار و وسایل یادگیری با هدف-های سطوح نگرش و مهارتها، در طراحی برنامه درسی دروس تربیتی تشکیل شود تا برنامه درسی با حجم متوازن در ارتباط با حوزه‌های سه‌گانه یادگیری در مدارس و دانشگاه اجرا شود.

۳- به منظور تسهیل فرایند تغییر نگرش و مهارتهای دانشجویان رشته‌های مختلف دبیری لازم است که اساتید در فعالیتهای آموزشی از رسانه‌ها و فیلم‌های آموزشی و مشارکت فردی و جمعی هر یک از دانشجویان استفاده نمایند.

۴- در تدوین اهداف و محتوای برنامه درسی دروس تربیتی به توانمندیهای ابعاد مختلف وجودی دانشجویان توجه شود و برنامه‌ها متناسب با توانمندیهای فوق تنظیم و به اجرا درآید.

۵- امکانات و فرصت‌های بیشتری برای دانشجویان دختر در دسترسی به اهداف آموزشی سه‌گانه در مدارس و دانشگاه فراهم شود تا امکان کسب تجربه و ارتقاء سطح نگرش و مهارتهای آنان تسهیل شود.

### پیشنهاد پژوهشی

۱- توصیه می‌شود که پژوهش مشابهی در زمینه تأثیر کل برنامه‌های درسی دانشگاهی در زمینه تغییر رفتار دانشجویان در حوزه‌های شناختی، نگرش و مهارتی انجام شود.

۲- با توجه به این که حیطه عاطفی برنامه‌های درسی سازوکار ویژه‌ای را می‌طلبد و نیازمند به شناخت دقیق و عمیق فرایندهای آن می‌باشد پیشنهاد می‌شود که پژوهش عمیقی در مورد نحوه تغییر در سطوح مختلف حوزه نگرشی دانش‌آموزان و دانشجویان در جهت رسیدن به تغییرات مطلوب نگرشی صورت گیرد.

- احدیان، محمد و آقازاده، محرم (۱۳۷۸). راهنمای روش‌های نوین تدریس برای آموزش و کارآموزی. تهران، انتشارات آبیژ، چاپ اول.
- ایزدی، صمد (۱۳۷۱). بررسی کارایی و اثربخشی برنامه‌های درسی آموزشهای ضمن خدمت معلمان. تهران، دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- پروند، محمدحسن (۱۳۸۰). مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. تهران، ناشر: شیوه، چاپ سوم.
- حسین‌زاده، بابک (۱۳۷۸). بررسی میزان ارتباط بین برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی با نیازمندیهای شغلی. تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- دایی‌زاده، حسینجان (۱۳۸۵). میزان آشنایی معلمان دوره متوسطه استان مازندران از مبانی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری. تهران، واحد علوم و تحقیقات، پایان‌نامه دکتری.
- سبحانی‌نژاد، مهدی (۱۳۷۹). مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی دوره ابتدایی ایران و طرحی برای آینده. تهران، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه دکتری.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۶). رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی. تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۳). فلسفه. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم.
- کاظمی، یحیی (۱۳۷۹). مقایسه تأثیر روشهای تدریس سخنرانی، بحث گروهی و ایفای نقش بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به معلم خود و هدفهای ارزشی درس دینی سال اول راهنمایی تحصیلی. پروژه تحقیقاتی، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

اثر بخشی برنامه‌های درسی دروس تربیتی بر ارتقاء...

- ملکی، حسن (۱۳۶۸). بررسی مقایسه برنامه تعلیمات اجتماعی مقطع ابتدایی در کشورهای ایران، آمریکا و استرالیا از نظر اصول و معیارهای سازمان‌دهی تجربیات یادگیری. تهران، دانشگاه تربیت معلم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ملک‌آباد، حسین (۱۳۸۲). تأثیر دوره‌های کوتاه‌مدت بر دانش، نگرش و توانش معلمان و کارکنان. تهران، واحد علوم و تحقیقات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- مشفق آرائی، بهمن (۱۳۸۲). راهنمای تمرین معلمی. تهران، انتشارات مدرسه، چاپ سوم.
- میرزا بیگی، علی (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی درسی و طرح درس. تهران، انتشارات یسپرون، چاپ اول.
- ملکی، حسن (۱۳۷۹). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). تهران، انتشارات مدرسه، چاپ اول.
- نادری، عزت‌الله و مریم سیف‌نراقی (۱۳۸۰). روشهای تحقیق در علوم انسانی. تهران، انتشارات بدر، چاپ ششم.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۷۳). استنباط آماری در پژوهش رفتاری. نشر پارسا، چاپ سوم.
- یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۷۷). اصول برنامه‌ریزی درسی. تهران، انتشارات یادواره کتاب، چاپ دوم.
- Akerson, C(1992). Affective: A Discussion of some controversies instructional Development.
- Hollenbeck, k, Tindal, C(1996). Teaching low concepts witnin mainstreamed Middel school social studies settings, Virginia university.
- Papanastasiou, c(2002). School, Teaching and family influence on student Attitude to ward science: Based on "TIMSS" Data for cypras. Studies in Eductional Evaluation.

- Weiner, H(1994). Enhancing student performance in social studies through the use of multimedia instructional Technology. Master of science practicum, Nova University.

Archive of SID